

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳

موضوع: مباحثی پیرامون تکفیر معتقدان به توسل از سوی سران وهابی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای شام کربلای تو یا زین العابدین

دل بزم ابتلای تو یا زین العابدین

یک عمر در فراق جوانان هاشمی

شد خون دل غذای تو یا زین العابدین

السلام علیک یا سید الساجدین، یا زین العابدین. السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی أولاد الحسین و

علی اصحاب الحسین

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام و درود و ارادت خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند و بزرگوار «شبکه جهانی ولایت» برنامه زنده «حبل المتین».

در شب بیست و پنجم ماه محرم الحرام، ماه عزای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) قرار

داریم. در شب شهادت غریبانه و مظلومانه پیام‌رسان کربلا سید الساجدین امام زین العابدین (علیه السلام) هستیم.

به پیشگاه امام مهربان و نازنینمان حضرت ولی عصر (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء) و خدمت شما عاشقان و

شیفتگان و دلباختگان حضرت عرض تسلیت و تعزیت دارم.

من دعاگوی شما در سفر معنوی حج بودم و خدا توفیق داد در زمانی که در مدینه منوره بودیم و به گلستان بی شمع و چراغ بقیع مشرف می شدیم، در آنجا نهایت غربت و مظلومیت را می دیدیم که چطور ائمه مظلوم ما در بقیع غریب و تنها هستند.

در شب شهادت امام سجاد (علیه السلام) شاید بسیار کم زائر و گریه کن و عزادار داشته باشد. وقتی ایام حج به پایان می رسد، در کشور عربستان زائری برای عمره نمی پذیرند و قاعدتاً نهایت غربت و مظلومیت از سر و روی جنة البقیع می بارد.

خدا را شکر که عاشقان و شیفتگان حضرت در هر جای عالم هستند، در جای جای ایران اسلامی در شهادت حضرت اشک می ریزند و گریه می کنند. عاشقان و شیفتگان در هر جا محافل عزاداری برپا می کنند و مرحمی خواهند بود بر قلب شکسته وجود نازنین امام زمان علیه السلام.

ان شاء الله خداوند زیارت گلستان بی شمع و چراغ بقیع را نصیب همه شما کند. گزارشی هم تهیه کردم که ان شاء الله در همین برنامه تقدیم حضور شما عزیزان بیننده خواهد شد.

ما منتظر هستیم پیام های شما را از طریق راه های ارتباطی که دوستانم در اتاق فرمان برای شما زیرنویس می کنند، دریافت کنیم.

سامانه پیام کوتاه ما در ذهن شریف شما هست؛ «۳۰۰۰۱۲۰۳» که به دوستانی که در ایران اسلامی هستند اختصاص دارد. بینندگان ما در ایران اسلامی می توانند از این طریق برای ما پیام بفرستند. همچنین شماره دیگری برای شما زیرنویس شده است که می توانید آن را در گوشی تلفن همراه خود ذخیره کنید و از طریق فضای مجازی با برنامه های واتس آپ، تلگرام و وایبر برای ما پیام بدهید. امشب که شب شهادت مظلومانه و غریبانه امام نازنین ما، امام سجاد (علیه السلام) است می توانید از عشق و ارادت و محبت خود بگویید و حال و هوای عزاداری که در شهرها و دیار شما هست و هر آنچه دلتان می خواهد امشب برای ما بگویید.

بسم الله؛ گوشی تلفن همراه را بردارید و پیام بدهید. بنده در طول برنامه سعی می کنم پیام های شما را بخوانم.

امشب هم توفیق داریم در برنامه زنده «حبل المتین» در محضر استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. جناب استاد سلام علیکم و رحمة الله، خیلی خوش آمدید، عرض تسلیت و تعزیت حقیر را بپذیرید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ جزاکم الله خیرا. بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام‌ها را همراه با تسلیت و تعزیت شهادت مظلومانه و غریبانه سید الساجدین امام زین العابدین تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی امام سجاد (علیه السلام) و آباء مطهرش و اولاد گرامیش سوگند می‌دهم فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک کند و ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم دغدغه‌های فکری همه ما و شما گرامیان را برطرف سازد، حوائج ما را برآورده نماید و دعاهای ما را به اجابت برساند با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

مجری:

استاد از شما خیلی ممنونم. امشب شب شهادت چهارمین امام همام شیعیان یادگار کربلا امام عزیزی است که ما یادگاران زیبا و مقدسی از ایشان داریم. علاوه بر خطبه‌های آتشی‌نی که بعد از واقعه کربلا قرائت فرمودند، کتاب شریف «صحیفه سجادیه» و دعاهای زیبایی که در «مفاتیح الجنان» هست، «دعای ابوحمزه ثمالی» یا «رساله حقوق» تمام موارد ذکر شده از یادگاران حضرت است. ما باید تمامی این یادگاران را قدر بدانیم و از آن استفاده کنیم.

قبل از آنکه به سراغ بحث همیشگی خودمان که در هفته‌های گذشته یکشنبه شبها داشتیم برویم، امشب برای شروع اگر صلاح بدانید قدری در مورد جایگاه نورانی و بافضیلت امام سجاد از زبان شما بشنویم سپس به سراغ مباحث گذشته برویم.

موضوع: اندوه دائمی امام سجاد در مصیبت امام حسین (علیه السلام)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلني مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق و اجعلني من لدنك سلطانا نصيرا

در رابطه با آقا امام سجاد (سلام الله عليه) سخن برای گفتن زیاد است، اما در فرصت بسیار کوتاه تلاش می‌کنم چند نکته‌ای را به عنوان اظهار ارادت به پیشگاه مقدس امام بزرگوار عرض کنم. باشد که خداوند عالم ما را هم در زمره ارادتمندان به این نازنین وجود قرار بدهد؛ ان شاء الله.

روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که امام سجاد بعد از حادثه کربلا مرتب گریه می‌کردند. حضرت زمانی که آب می‌دیدند گریه می‌کردند، زمانی که غذا برای حضرت می‌آوردند گریه می‌کردند، زمانی که می‌دید حیوانی را سر می‌برند گریه می‌کردند.

«سئل علی بن الحسین عن كثرة بكائه»

از علی بن حسین (علیه السلام) در مورد گریه فراوان ایشان پرسیدند.

«فقال لا تلومونی فإن یعقوب علیه السلام فقد سبنا من ولده فبکا حتی ابیضت عیناه من الحزن ولم یعلم أنه

مات»

حضرت فرمود: مرا ملامت نکنید، زیرا که یعقوب پیغمبر یکی از فرزندان غایب شد. او می‌دانست که او کشته شده و غایب است، اما چنان گریست که چشمان او سفید شد.

«وقد نظرت إلى أربعة عشر رجلا من أهل بيتي يذبحون في غداة واحد فترون حزنهم يذهب من قلبي أبدا»

من که دیدم چهارده نفر از أهل بیت من در یک صبحگاه جلوی چشمم قطعه قطعه شدند و به شهادت رسیدند. پس چگونه حزن و اندوه آن را از دل بیرون کنم.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۱، ص ۳۸۶، باب آخر الجزء السادس والأربعین بعد الثلاثمائة من أصل السماع

این روایت در میان کتب اهل سنت در کتاب «تهذیب الکمال» اثر «مزنی»، کتاب «البداية و النهایة» و از میان کتب علمای شیعه «مناقب» اثر «ابن شهر آشوب» وارد شده است.

روایت دیگری از امام صادق وارد شده است که امام سجاد چهل سال گریه می کرد. وقتی طعامی برای حضرت می آوردند گریه می کرد. اطرافیان به حضرت عرضه داشتند: ما می ترسیم از شدت گریه سلامتی خود را از دست بدهید. حضرت فرمود:

«إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِّي وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَغْلَمَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

حضرت یعقوب این آیه شریفه را در برابر فرزندانش فرمود. امام سجاد در ادامه فرمود:

«إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَضْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي لِذَلِكَ عِبْرَةً»

زمانی که قتلگاه فرزندان حضرت زهرا را به یاد می آورم بغض گلویم را می گیرد و قطرات اشک از چشمانم سرازیر می شود.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج

۳، ص ۲۸۱، ح ۳۶۵۵

در رابطه با حضرت سجاد سخن بسیار زیاد است. «جابر بن عبدالله انصاری» می گوید: من از اولاد انبیاء همانند امام سجاد را ندیدم مگر یوسف. والله ذریه امام سجاد افضل از ذریه حضرت یوسف است.

«ابن عباس» با آنکه از نظر سنی بسیار بزرگ بود، زمانی که امام سجاد را می دید در برابرش خم می شد و خضوع می کرد و با صدای بلند می گفت:

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت،

ج ٩، ص ١٠٦، باب علي بن الحسين

«سعید بن مسیب» از فقهای بزرگ اهل سنت است؛ می‌گوید: من در میان اهلبیت مردی همانند امام سجاد با ورع ندیدم.

«زهری» یکی دیگر از فقهای اهل سنت و کسی که در تقویت بنیان حکومت بنی امیه نقش بسزایی داشت، می‌گفت: امام سجاد یکی از ائمه اعلام و عالم حجاز و شام است و در میان قرشی‌ها افضل و اورع از او ندیدم. «زهری» همیشه از علم، مناقب، کرامت و معجزات امام سجاد حرف می‌زد. بعضی از امرای بنی امیه به او طعنه می‌زدند و می‌گفتند:

«يا زُهْرِي مَا فَعَلَ نَبِيكَ»

پیغمبرت در چه حال است؟!

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ٤، ص ١٥٩، فصل فی

علمه و حلمه و تواضعه ع

بزرگان اهل سنت همانند «امام مالک» رئیس مالکی‌ها می‌گوید: امام سجاد در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند. به همین خاطر به او زین العابدین گفتند.

«احمد بن حنبل» حدیث سلسله الذهب که از امام رضا سلام الله علیه تا نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و اله بیان شده را نقل می‌کند و می‌گوید: اگر این سند بر یک دیوانه خوانده شود، از دیوانگی نجات پیدا می‌کند.

«سفیان بن عیینة» یکی دیگر از بزرگان اهل سنت می‌گوید: در میان قرشی‌ها افضل از امام سجاد ندیدم. «ذهبی» می‌گوید: مناقب امام سجاد به قدری زیاد است که قابل شمارش نیست.

«ابن کثیر دمشقی» عبارات متعددی از «زهری» و «یحیی بن سعید انصاری» و دیگران در مناقب و فضائل حضرت سجاد (سلام الله علیه) نقل می‌کند.

این موارد نمونه‌هایی از گفتار بزرگان اهل سنت است که در فضائل و مناقب امام سجاد بیان شده و خضوع این افراد در مقابل امام زین العابدین را نشان می‌دهد. ما در این فرصت کوتاه بیشتر از این نمی‌توانیم مطالبی را بیان کنیم.

مجری:

جناب استاد از شما ممنونم. واقعاً حق این بود که ابتدای برنامه نام امام سجاد را ببریم و مواردی که حضرت استاد بیان فرمودند، نمایان‌گر جایگاه و منزلت حضرت سید الساجدین امام زین العابدین را در میان علمای اهل سنت هست.

ما امشب ویژه برنامه داشتیم و دوستان هم به طور مفصل نزدیک به دو ساعت در مورد امام سجاد (علیه السلام) ویژه برنامه داشتند. در این ویژه برنامه هم کارشناسان عزیز و هم مهمانان و مداحان و ذاکرین اهل بیت عصمت و طهارت حضور داشتند.

ما هم گفتیم در این مناسبت سهمی داشته باشیم و ابتدای برنامه را به فرمایشاتی که جناب استاد داشتند، مزین کردیم.

همانطور که خدمت شما عرض کردم گزارشی هم در ایامی که حقیر توفیق داشتم در مدینه منوره باشم، از صحن و سرای جنة البقیع برای شما تهیه کردم. البته واقعاً کار سخت و دشواری بود با توجه به سختگیری‌هایی که در آنجا انجام می‌شد. واقعاً نمی‌شد کار را به این صورت انجام بدهیم، منتها تلاش ما بر این بود که یک یادگاری از جنة البقیع داشته باشیم. بنده تلاش کردم در مدتی که در مدینه هستم، هر آنچه امکان پذیر هست گزارش تهیه کنم.

بحمدالله از مکان‌های زیادی گزارش تهیه شده است. ان شاءالله بتوانیم در فرصت‌های بعد یک به یک گزارش‌ها را برای شما پخش کنیم.

بنده این گزارش را به مناسبت شهادت امام سجاد تهیه و آماده کردم و دوستان هم آماده هستند این گزارش را تقدیم حضور شما کنند. گزارش را ببینیم و سپس مباحث را در محضر استاد ادامه خواهیم داد.

این هم گزارشی بود که حقیر از گلستان بقیع تهیه کرده بودم و تقدیم حضور شما شد. واقعاً جای شما خالی بود. به یاد شما بودم، مخصوصاً بینندگان «شبکه جهانی ولایت» و عزیزان ولایت یاور که همیشه یار و یاور شبکه بودند و کمک کردند.

ما بر سر عهد و پیمانی که با هم بسته بودیم هم بودیم. قرار بر این بود که در طواف مستحبی یاد کنیم و نام ببریم از عزیزانی که جهت ساخت استودیو «شبکه جهانی ولایت» در نجف اشرف ما را کمک و یاری کردند و بطور ویژه به یادشان بودم.

ان شاء الله خداوند نصیبتان کند. البته اگر کسی عمره مشرف شده است ان شاء الله خداوند حج را نصیب او کند. حج تمتع صفای دیگری دارد، مخصوصاً در ایام تشریق که ان شاء الله خداوند به زودی نصیب تک تک شما عزیزان بفرماید.

ما ان شاء الله می‌خواهیم در محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی بحثمان را ادامه بدهیم. باز هم یادآوری می‌کنم که اگر نکته یا مطلبی داشتید برای ما پیام بدهید.

حتی اگر سؤالی هم در زمینه گفتگوی ما داشتید ما سؤالات شما را جمع آوری می‌کنیم و در بخشی که قرار است تلفن‌ها را پاسخ بدهیم، سؤالات شما را مطرح می‌کنم و جناب استاد پاسخ خواهند داد.

جناب استاد! ما می‌بینیم متأسفانه وهابیت هر بار به بهانه‌های واهی به کسانی که به اولیاء الهی متوسل می‌شوند اشکال می‌کنند. فرقی نمی‌کند که توسل کنندگان شیعیان و محبان اهل بیت باشند یا عزیزان اهل سنت ما باشند. حال آن‌که توسل اتفاقی است و تنها اختصاص به شیعه ندارد. غالب مسلمانان بحث توسل به اولیاء الهی را قبول دارند و اتفاقاً متوسل می‌شوند و استغاثه می‌کنند برخلاف عقیده‌ای که باطل است و وهابیت کوردل دارند، حرف می‌زنند و گاهی فتوا به کفر افراد صادر می‌کنند.

قدری در این زمینه صحبت بفرمایید تا بنده سؤالات دیگر را مطرح کنم.

موضوع: توسل به اولیاء الهی توسط تمامی مسلمانان

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همانطور که حضرتعالی هم اشاره کردید، گویا رسالت مهمی که به عهده کارشناسان وهابی است تکفیر مسلمانان

است و زندگی آن‌ها با همین می‌چرخد. اگر آن‌ها تکفیر را کنار بگذارند، دیگر کار و کاسبی آن‌ها کساد می‌شود!

وهابیت به بهانه‌های مختلف ادعا می‌کنند که شما عزاداری می‌کنید و قتلتان واجب است! زیرا کافر شدید. مشاهده کنید که در این عزاداری‌ها چقدر انسان کشته می‌شود. به عنوان مثال در عزاداری سیدالشهداء چند سال قبل در چابهار چقدر شیعه و اهل سنت کشته شدند. می‌گویند: شما برای اهل بیت (علیهم السلام) جشن میلاد می‌گیرید، کافر شدید و قتلتان واجب است! همچنین می‌گویند به دلیل اینکه شما متوسل به اولیاء می‌شوید، عمل شما شرک و کفر است و قتلتان واجب است!

ما علی رغم اینکه در این شبکه در طول این هفت سال و قبل از آن در شبکه‌های دیگر مفصل صحبت کردیم، اما ظاهراً این افراد دست بردار نیستند. زمانی که خلایی ایجاد می‌شود و ما در این زمینه یک ماه یا دو ماه صحبت نمی‌کنیم، وهابیت بلافاصله شروع می‌کنند.

من به این نتیجه رسیدم که در رابطه با بحث توسل که اساس اسلام است و پشتوانه قرآنی، سنتی، سیره صحابه و سیره اهل بیت (علیهم السلام) دارد باید تلاش کنیم هر هفته برنامه‌ای ولو مختصر داشته باشیم و اذهان بزرگواران بیننده ما در برابر شبهات وهابیت آمادگی داشته باشد تا خدای ناکرده دچار تزلزل نشوند. وهابیت تنها تکفیر و قتل را یاد گرفته‌اند. مشاهده کنید در کشورهایی از قبیل پاکستان، افغانستان، عراق، ایران و سوریه چقدر کشتار و قتل به راه انداختند. دلیل اینکه وهابیت بعضی از جوانان نادان و جاهل خود را تحریک به کشتن و انتحار می‌کند، همین قضیه توسل است. ما بارها گفتیم «ابن تیمیه» در کتاب «زیارة القبور» صفحه ۱۸ می‌گوید:

اگر کسی به قبر پیغمبر یا صالحی بیاید و تصور کند که این قبر صالح هست، اگر از او حاجت بخواهد؛

«فهذا شرک صریح یجب أن یستتاب صاحبه فإن تاب وإلا قتل»

این شرک صریح است و واجب است صاحب آن توبه داده شود و اگر توبه نکرد، کشته شود.

[زیارة القبور - ابن تیمیة]. الكتاب: زیارة القبور والاستنجد بالمقبور، المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة

الحرانی، الناشر: الإدارة العامة للطبع والترجمة - الرياض، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱، ص ۱۸، فصل حکم من

یأتی إلى قبر نبی أو صالح ویسأله ویستنجد به

گویا این شخص نستجیر بالله زناى محصنه کرده است، دزدی کرده است، خلاف ما أنزل الله مرتکب شده است که باید توبه کند و اگر توبه نکرد کشته شود.

ما بارها گفتیم بحث توسل و حاجت خواستن از انبیاء، اولیاء و صالحین اختصاص به شیعه ندارد. بزرگان اهل سنت در این زمینه بیش از شیعه کتاب و مطلب نوشته‌اند.

اگر فرصت ما اجازه بدهد، امشب در خصوص اینکه بزرگان و علمای اهل سنت به نبی گرامی اسلام متوسل شدند و از خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاجت خواسته‌اند و حضرت هم حاجت آن‌ها را برآورده کرده است، صحبت می‌کنم.

«ذهبی» و دیگر علمای اهل سنت این مطالب را در کتاب‌های خود آورده‌اند. طبق فتوای «ابن تیمیة» تمام علمای اهل سنت همگی واجب التوبه و واجب القتل هستند!

بعضی افراد ادعا می‌کنند که این مطالب مخصوص کسانی است که از دنیا رفته‌اند. بنده در بحثی که با مفتی اعظم عربستان سعودی «آل شیخ» در سال ۱۳۸۲ در طائف داشتم، او می‌گفت:

تمام آیات و روایاتی که شما می‌خوانید از قبیل آیه ۹۷ از سوره مبارکه یوسف، آیه ۶۴ از سوره مبارکه نساء مخصوص زمان حیات پیغمبر اکرم است. زمانی که رسول گرامی اسلام از دنیا رفت، دیگر نه می‌شنود و نه می‌تواند حاجت بدهد!

ملاحظه کنید در کتاب «مجموع الفتاوی» اثر «ابن تیمیة» جلد اول صفحه ۱۲۴ روایتی وارد شده است که می‌گوید:

«فَمَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَسَائِطَ يَدْعُوهُمْ»

هرکسی ملائکه و پیامبران را واسطه قرار بدهد و آن‌ها را بخواند.

ملائکه مرگ و حیات ندارند که بگویم این فتوا مخصوص زمان حیات آنهاست.

«وَيَتَوَكَّلُ عَلَيْهِمْ وَيَسْأَلُهُمْ جَلْبَ الْمَنَافِعِ وَدَفْعَ الْمَضَارِّ مِثْلَ أَنْ يَسْأَلَهُمْ عُفْرَانَ الذَّنْبِ وَهَدَايَةَ الْقُلُوبِ وَتَفْرِيحَ الْكُرُوبِ

وَسَدَّ الْفَاقَاتِ»

سپس می نویسد:

«فَهُوَ كَافِرٌ بِإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ»

چنین شخصی به اجماع مسلمین کافر است.

الکتاب: مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸

هـ)، المحقق: أنور الباز - عامر الجزائر، الناشر: دار الوفاء، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۶ هـ / ۲۰۰۵ م، ج ۱، ص ۱۲۴، فُضِّلُ:

فِي الشَّفَاعَةِ الْمُنْفِيَةِ فِي الْقُرْآنِ

این هم دروغ شاخداری است. معمولاً کسی که دروغ می گوید، تلاش می کند این دروغ را به قدری بزرگ کند که کسی شک نکند.

ما خواهیم خواند اجماع علمای اهل سنت غیر از چهار تا وهابی بر این است که توسل به ملائکه و انبیاء و صالحان را نه تنها جایز، بلکه اجماعی می دانند. این افراد استغاثه از انبیاء و ملائکه را هم ادعای اجماع کرده اند. استغاثه یعنی مستقیم از انبیاء و اولیاء خدا حاجت خواستن.

بنده نمی دانم «ابن تیمیه» راست می گوید یا «علامه سبکی»، «ابن حجر هیثمی» و دیگران راست می گویند؟!

همچنین «محمد بن عبدالوهاب» در کتاب «الرسائل الشخصية» می گوید:

«إِجْمَاعُ الْمَذَاهِبِ كُلِّهَا عَلَى أَنَّ مَنْ جَعَلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ وَسَائِطَ يَدْعُوهُمْ أَنَّهُ كَافِرٌ مُرْتَدٌ حَلَالُ الْمَالِ وَالْأَمْوَالِ»

اجماع مذاهب بر این است که هرکسی بین خود و خداوند واسطه قرار دهد، کافر و مرتد است و مال و جان او

هم هدر است.

در اینجا وارد نشده است که فردی که به آن توسل می‌کنند زنده است یا مرده است!! این فتاوی شما به استناد کدام آیه، حدیث و روایت است؟! اجماعی که شما آوردید را از کجا درآوردید؟! شاید از باب آیه شریفه:

(وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ)

شیاطین به دوستان خود القا می‌کنند.

سوره أنعام (۶): آیه ۱۲۱

ما نمی‌دانیم که قضیه چیست. همچنین در رابطه با ادعای اجماعی که از صاحب اقتناع دارد، می‌آورد و می‌گوید:

«فإن عرفت أن في المسألة خلافاً ولو في بعض المذاهب فنّبهنی»

اگر دیدید خلاف این فتوا در بعضی از مذاهب هست، به من خبر دهید.

الكتاب: الرسائل الشخصية، المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، ج ۱، ص ۱۰۰، الرسالة الرابعة والعشرون

این افراد با بهانه‌های مختلف و ادعاهای واهی کفر مسلمانان را اثبات می‌کنند. همچنین در کتاب «الدرر السنية» از قول «محمد بن عبد الوهاب» می‌گوید:

«وأما الذى أنكرناه عليهم، وكفرناهم به، فإنما هو: الشرك بالله، مثل أن تدعو نبيا من الأنبياء، أو ملكا من الملائكة»

اگر ما مسلمان را تکفیر می‌کنیم به خاطر این است که به خدا مشرک هستند، پیغمبری از پیامبران و یا ملکی از ملائکه را می‌خوانند.

الكتاب: الدرر السنية فى الأجوبة النجدية، المؤلف: علماء نجد الأعلام، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الطبعة: السادسة، ۱۴۱۷ هـ/ ۱۹۹۶ م، ج ۱، ص ۱۴۴، باب كتاب العقائد

اگر کسی به ملکی که دست راست و چپ ما هستند و مراقب اعمال ما هستند، بگوید: ای ملک! سلام علیکم! از خدا بخواه که حاجت مرا برآورده کند، آیا کفر و شرک است؟! لازم به ذکر است که این ملک زنده است و مأمور نوشتن تمام اعمال ماست.

همچنین ممکن است کسی به ملکی که سمت چپ ماست، بگوید: از گناهان خود استغفار می‌کنم و تو هم از خداوند عالم بخواه گناهان مرا ببخشد یا اگر اختیار داری به اذن الله تبارک و تعالی بر گناهان من قلم عفو بکش؛ کجای این کار اشکال دارد؟!

به عنوان مثال اگر بنده از حضرتعالی درخواست کنم که یک لیوان آب به من بدهد، آیا خلاف شرع و حرام است؟! ما نمی‌دانیم این آقایان به دنبال چه هستند که چنین بحث‌هایی را مطرح می‌کنند و مسلمانان را تکفیر می‌کنند.

وهابیت ادعا می‌کنند به دلیل اینکه شما متوسل به فلان شدید، باید یا توبه کنید و اگر توبه نکردید باید کشته شوید! ما نمی‌دانم این افراد چه تقاضایی دارند و قضیه از چه قرار است؟!

اگر یکی از علمای بزرگ اهل سنت برخلاف نظر آن‌ها نظر بدهد، بلافاصله او را بایکوت می‌کنند و ادعا می‌کنند که او یکی از تفاله‌های اهل سنت است، او غلط کرده است چنین حرفی زده است و ما از حرف‌های او بیزاریم.

در رابطه با قضیه «مولوی حسین پور» ما درگذشت ایشان را به خانواده این بزرگوار و جامعه اهل سنت تسلیت عرض می‌کنیم. ایشان در مواجهه با وهابیت و نشر فرهنگ توسل آثار زیادی داشت و الحق و الانصاف ایشان سنگ تمام گذاشت.

کتابی نوشته شد که در حقیقت بعضی از سخنرانی‌های «مولوی کاشانی عبدالرحمن سربازی» و «مولوی محمد یوسف حسین پور» بوده است تحت عنوان «تضاد عقاید حنفیت با وهابیت» چاپ شد.

نظری که «مولوی محمد یوسف حسین پور» داشتند، این بود که در صفحه ۱۳۷ به صراحت می‌گوید: شخصی به نام «محمد بن عبدالوهاب» در نجد متولد می‌شود. او فکر می‌کرد که مذاهب اسلامی به انحراف کشیده شده‌اند و بدعت‌هایی در دین به وجود آمده و باید اصلاح شود. او در نحوه اصلاحش به قتل و خونریزی هم متوسل می‌شد.

این مطلب از ما نیست، بلکه از این شخص است که چند روز پیش از دنیا رفته است و جامعه اهل سنت به ویژه شرق کشور به مناسبت درگذشت ایشان عزادار هستند. بعضاً آقایان وهابی در شبکه‌های خود برای او ویژه برنامه هم می‌گذارند.

امروز غروب دوستان برای من کلیپی فرستاده بودند که من خجالت می‌کشم این کلیپ را پخش کنم. فردی به کارشناس شبکه وهابی می‌گوید: "آقای «حسین پور» چنین حرفی زده است." او در جواب می‌گوید: "او غلط کرده چنین حرفی زده است و بر باطل مُرده است. ما جرئت داریم چنین حرفی بزنیم." مشاهده کنید او علاوه بر اینکه توهین می‌کند، بر توهین کردن خود افتخار هم می‌کند.

مولوی حسین پور در ادامه می‌گوید: "عقیده ما احناف راجع به «محمد بن عبدالوهاب» و نحوه عملکردش این است که او دچار انحراف شده تا حدی که می‌توان برای او فتوای کفر صادر کرد و او را کافر دانست."

نظر ایشان این است که ما «محمد بن عبدالوهاب» را به خاطر فتاوی‌ای که داده است، کافر می‌دانیم. زمانی که این مطلب را برای این افراد بیان می‌کنیم، ادعا می‌کنند که این مطلب مربوط به سال ۱۳۷۰ بوده است و در آن زمان اختناق بوده است و ایشان توبه کرده است.

معمولاً زمانی که مطالب نقل می‌شود، وهابیت ادعا می‌کند که ایشان توبه کرده است. زمانی که می‌گوییم عایشه همسر پیغمبر اکرم در عزای حضرت سینه می‌زند و نوحه سرایی می‌کند، ادعا می‌کنند که او توبه کرده است!

همچنین زمانی که می‌گوییم عایشه در عزای پدر خود هم نوحه سرایی کرده است، معطل می‌مانند چه بگویند و به همین خاطر می‌گویند که او بچه بوده است!

گفتنی است عایشه در عزای برادر خود هم نوحه سرایی کرد و برای اقوام و خویشاوندان خود هم نوحه سرایی می‌کرد!! زمانی که ما از قول «ملاً محمد عمر سربازی» مطالبی بیان کردیم، کارشناسان وهابی ادعا کردند که او توبه کرده است. ما نمی‌دانیم کارشناسان وهابی علم غیب دارند یا ملائکه و اجنه خبر توبه کردن آن‌ها را برایشان می‌آورد!!

این کتاب در سال ۱۳۸۸ چاپ شده است و این شخص در آن زمان در قید حیات بوده است. در حقیقت این کتاب هشت سال قبل به چاپ رسیده است.

اگر ایشان اعتراضی داشت، از سال ۱۳۸۸ تا الآن بیان می‌کردند، زیرا در این سال‌ها اختناقی نبوده است و می‌توانست به راحتی اعتراض کند. اگر او اعتراض کرده است، اعتراض و توبه نامه او کجاست؟! چرا حرف‌های بی‌اساس می‌زنید؟! چرا به دنبال این هستید که اگر کسی برخلاف عقیده شما حرفی زد، به او توهین و اهانت و جسارت کنید؟! مگر فقط تنها جناب «مولوی حسین پور» است؟!!

ما در گذشته صدها عالم اهل سنت را نام بردیم که در رابطه با وهابیت چه نظری دارند. اگر بتوانم بعضی از این قسمت‌ها را هم عرض می‌کنم. همین آقا در همین بخش می‌گوید: «محمد بن عبدالوهاب» تمام مسلمانان را مشرک می‌دانست.

این حرف ما نیست، بلکه نظر یکی از علمای بزرگ اهل سنت است. او در ادامه می‌گوید: "در صورتی که نظریه امام «ابوحنیفه» این است که «لا نکفر احدا من اهل القبلة» «ما هیچ یک از مسلمانان و اهل قبله را تکفیر نمی‌کنیم».

این نظر ما نیست، بلکه نظر یکی از علمای بزرگ اهل سنت است. او در ادامه می‌گوید:

"نظریه دیگری که امروز پیروان و معتقدان «محمد بن عبدالوهاب» به آن پایبند هستند، اینکه انبیاء در قبورشان مانند بقیه مؤمنین مرده هستند و از حیاتی جز حیات برزخی که عامه مسلمین دارند برخوردار نیستند. در صورتی که علمای احناف معتقدند که انبیاء در قبور خودشان از حیاتی بیش از حیات سایر مسلمانان برخوردارند."

بعضی انبیاء در قبر از حیات زنده‌ها بیشتر برخوردار هستند. اما کارشناسان وهابی ادعا می‌کنند که انبیاء بعد از مردن تمام شدند و رفتند. آن‌ها نه می‌شنوند و نه خبر دارند!! او در ادامه می‌نویسد: "علت اینکه ازواج مطهرات آن‌ها بعد از ایشان نمی‌توانند ازدواج بکنند یا در ارث آن‌ها تقسیم‌ی پدید آید در نظر اهل سنت و جماعت این است که آن‌ها در قبورشان حیات دارند."

او سپس می‌گوید: «محمد بن عبدالوهاب» رفتن به زیارت قبر پیغمبر اکرم را حرام می‌دانست و ما حرام نمی‌دانیم.

نسبت به مقام حضرت رسالت گروه وهابیت کلمات رکیک و گستاخانه‌ای نوشته و به کار برده‌اند در صورتی که احناف بالاترین و والاترین کلمات را با ادب کامل نسبت به تابعین ائمه مجتهدین و اصحاب پیغمبر به کار برده‌اند، چه برسد به خود پیامبر."

شاهد از غیب آمده است!! او می‌گوید که وهابیت کلمات رکیک و گستاخانه‌ای به پیغمبر اکرم نسبت می‌دهند. آیا ایشان این مطالب را در اثر فشار نوشته است؟!

«محمد بن عبدالوهاب» و وهابی‌ها تقلید را حرام می‌دانند. تمام اتباع «ابوحنیفه»، «امام مالک»، «امام شافعی» و کلهم مبتدع و بدعت‌گذار هستند و موارد متعددی را ایشان در این صحبتشان مطرح می‌کند.

ایشان می‌گویند: وهابیت منکر شفاعت هستند، جشن میلاد پیغمبر اکرم را خرافی می‌دانند حال آنکه ما احناف این چنین نیستیم. آن‌ها توسل به انبیاء را حرام می‌دانند، حال آنکه ما جایز می‌دانیم.

او سپس قضیه «عثمان بن حنیف» را مطرح می‌کند و کسی که نزد «عثمان بن عفان» می‌رفت، اما عثمان به او اجازه نمی‌داد. او بعد از اینکه در مسجد به نبی مکرم اسلام متوسل شد و برگشت، عثمان او را تحویل گرفت.

این موارد بحث‌هایی است که بزرگان اهل سنت در اینجا مطرح می‌کنند. به جهت اینکه مشخص شود تنها ایشان نیست که در این زمینه مطالبی را مطرح می‌کند، نظر یکی دیگر از علمای اهل سنت را بیان می‌کنم. در کتاب «المهند علی المفند» ترجمه «عبدالرحمن سربازی» مطلبی وارد شده است.

ایشان همیشه به این کتاب افتخار می‌کند و ما در چندین جلسه که با ایشان بودیم، می‌گفت: من چنین کتابی را ترجمه کردم و در جلسات همایش‌ها آن را مطرح می‌کنم. بنده توصیه می‌کنم که مردم این کتاب را بخوانند.

ایشان در ابتدا اسامی علمای جهان اسلام که بر این کتاب مهر تأیید زدند، را بیان می‌کند. او اسامی علمای هند را می‌آورد. او اسامی سی نفر از علمای بزرگ مکه و مدینه که این کتاب را تأیید کردند را می‌آورد. او اسامی چهارده نفر از علمای الأزهر که این کتاب را تأیید کردند می‌آورد.

او در سؤال دوازدهم صفحه ۴۷ می‌نویسد: «محمد بن عبدالوهاب» خون و مال مسلمانان را حلال می‌پنداشت. او همه مردم را به شرک نسبت می‌کرد و در شأن سلف گستاخی می‌نمود. نظر شما چیست؟»

او در جواب می‌گوید: «تعرض به جان و مال ما را برای خود حلال تصور می‌کند و زنان ما را به اسارت و بردگی می‌گیرند.» من نمی‌دانم «عبدالرحمن سربازی» هم از این کار توبه کرده است، یا خیر؟! ایشان در قید حیات است. کارشناسان وهابی در مورد کسی که از دنیا می‌رود، ادعا می‌کنند که توبه کرده و پشیمان شده است و از نظر خود برگشته است.

آیا ایشان هم از نظر خود برگشته است؟! آیا ایشان در اینجا پاورقی زده است؟! ایشان عبارت «الدر المختار» را می‌آورد که «محمد بن عبدالوهاب» در حرمین شریفین پیروز شد. در ادامه می‌نویسد:

"او چنین قلمداد می‌کرد که فقط آن‌ها مسلمان هستند و هرکسی مخالف آن‌ها هست، همه مشرک هستند. او با همین تصور کشتن اهل سنت و قتل علمایشان را مباح می‌دانست تا آن که خداوند شوکت و قدرتشان را در هم شکست."

کاملاً واضح و روشن است که این عبارت متعلق به ما نیست. آیا جناب آقای «مولوی خلیل احمد سهارنپوری» که این کتاب را نوشته و «مولوی عبدالرحمن سربازی» که ترجمه کرده است، هم پشیمان شدند و توبه و استغفار کردند؟!

من خودم نمی‌دانم که واقعاً به این افراد چه باید گفت! همچنین در کتاب «تضاد عقائد حنفیت با وهابیت» ایشان از شیعیان دلجویی می‌کند و می‌نویسد:

"پس برادران شیعه ما ناراحت نشوند از اینکه اگر وهابی‌ها بلا تشبیه آن‌ها را مشرک گفته‌اند. آن‌ها به ما هم مشرک گفته‌اند."

آن‌ها ادعا می‌کنند که ما وهابی نداریم و وهابیتی وجود ندارد. من نمی‌دانم که این آقایان دچار توهم شدند که این همه مطالب در رابطه با وهابیت آوردند، یا خیر؟!

ایشان بازهم در کتاب «اعتدال در مسلک دیوبند» مطالبی بیان کرده است. اگر ایشان واقعاً از این مطالب پشیمان شده و توبه کرده است، سریعاً برای ما بفرستند تا ما هم در جلسه بعد اعلام کنیم. ایشان می‌نویسد:

"تنها کاری که «محمد بن عبدالوهاب» رهبر وهابیان و پیروان خشک و خشن و جامد وی انجام دادند، این بود که به نام اصلاحات مذهبی شکاف تازه‌ای میان مسلمانان ایجاد کرده و به بهانه‌های کوچک مانند حرمت سوگند خوردن به پیغمبر اکرم و مسائلی از این قبیل اکثریت قاطع مسلمانان جهان را از دایره اسلام خارج و جان و مال و ناموس آنان را مباح می‌دانستند و با شعار: «إِذَا الْوَهَابِيَّةُ وَ إِذَا السَّيْفُ»؛ یا وهابی‌گری و یا شمشیر مسلک خود را به صورت یک اعتقاد اجباری درآوردند."

جناب آقای اسماعیلی عزیز بیان این مطالب مقداری طولانی شد، اما خواستیم اثبات کنیم که قضیه تکفیر وهابیت و حلال شمردن جان و مال مسلمانان و اینکه برای کسی غیر از خود حق حیات قائل نیستند، تکفیر آن‌ها منحصر در شیعه نمی‌شود بلکه شامل اهل سنت هم می‌شود.

این قضیه در مورد بزرگان اهل سنت قدیما بوده است. آن‌ها در مورد کسانی که مرده‌اند ادعا می‌کنند که اشتباه کردند و توبه کردند. ما نظر یکی از افرادی که تازه از دنیا رفته را آوردیم و همچنین نظر کسی که الحمدلله در قید حیات هست را آوردیم.

کارشناسان وهابی به ما جواب بدهند که جواب این مطالب چیست؟ روزی یکی از بینندگان با یکی از شبکه‌های وهابی تماس گرفت و گفت: «زید بن أرقم» می‌گوید که زنان پیغمبر اکرم مشمول آیه تطهیر نیستند. او در جواب گفت: «زید بن أرقم» اشتباه کرده است، زیرا او معصوم نبوده است. بیننده گفت: «صحيح مسلم» این مطلب را آورده است. کارشناس وهابی گفت: «مسلم» هم اشتباه کرده است، زیرا معصوم نیست.

ما بارها گفتیم که از این آقایان سؤال کنند: آیا خود این آقایان که معتقدند فلانی اشتباه کرده است، خودشان معصوم هستند؟! همین مقدار که نسبت اشتباه به دیگران می‌دهند، آیا واقعاً حق و ثواب است یا خود همین نسبت دادن اشکال دارد؟!!

اگر کسی ادعا کند که شما هم اشتباه می‌کنید، کارشناسان وهابی چه جوابی دارند؟! از کجا معلوم است که شما اشتباه نمی‌کنید؟!!

استاد بنده به یاد یک خاطره‌ای در سفر حج افتادم. زمانی که در مدینه بودیم، ساعت یک یا دو نصف شب در حیاط مسجد النبی نشسته بودم و به یکی از ستون‌ها تکیه داده بودم و حرم حضرت رسول را نگاه می‌کردم و مشغول ذکر بودم.

یکی از وهابی‌های تاجیکستانی سوار ماشین‌هایی که مسجد النبی را دور می‌زنند، آمد و مقداری با زبان عربی به من گفت: برای چه کاری اینجا نشستی؟! منظور او این بود که باید به سمت قبله بنشینم.

من هم قصد نداشتم در آنجا بحث کنم، اما به جهت اینکه مقداری حال او را بگیرم گفتم: داشتم در و دیوار را نگاه می‌کردم که گنبد پیامبر چقدر نمای زیبایی دارد و دیوارها و آجرهایی که در آن استفاده شده چقدر جالب است.

او که فهمید بنده غیر مستقیم او را مسخره می‌کنم، شروع به بحث کرد و ما هم مقداری احتیاط می‌کردیم که با آنها بحث نکنیم.

آنها همین مقدار نشستند به سمت حرم پیامبر را هم نمی‌توانستند تحمل کنند. گاهی اوقات که حاجی‌ها و زوار به صورت کاروانی و شخصی به این سمت می‌نشستند، آنها را بلند می‌کردند و می‌گفتند که باید به سمت قبله بنشینید. متأسفانه این افراد حتی نشستن و نگاه کردن را هم نمی‌توانند تحمل کنند. اما نگاهی به پیام‌ها داشته باشم.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

عزیزی که خودشان را معرفی نکردند سلام فرستادند و پیام فرستادند که از ایشان تشکر می‌کنیم. سرکار خانم معصومه خانم از شیراز زیارت قبولی گفتند و آرزو کردند که ما هر ساله به زیارت مشرف شویم. خواهر بزرگوارمان شاءالله به لطف خداوند متعال نصیب شما هم شود.

آقای قائی از مشهد مقدس شهادت چهارمین امام همام شیعیان سید الساجدین امام زین العابدین (علیه السلام) را تسلیت گفتند.

آقای احمد روشنفر از کمال شهر کرج پیام فرستادند و تشکر کردند.

خواهر بزرگوارمان سرکار خانم منیژه بشارت از اصفهان هم سلام فرستادند و تشکر کردند و تسلیت گفتند و آرزو کردند که همه ما بتوانیم شیعه واقعی باشیم، ان شاءالله.

زردوست از زابل هم شهادت امام سجاد (علیه السلام) را تسلیت گفتند و همچنین یادی کردند از قهرمان کربلا حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).

آقا رضا از کارزین هم برای ما پیام فرستادند. ایشان سؤالی هم مطرح کردند که در بخش سؤالات اگر فرصت شد سؤال ایشان را هم مطرح خواهیم کرد.

آقای علی دلشادی از تبریز و بسیاری دوستان دیگر که همراهی خودشان را با «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین» اعلام کردند.

راه‌های ارتباطی همچنان برای شما هموار است. من واقعاً فرصت نمی‌کنم همه پیام‌های شما را بخوانم، زیرا بسیار زیاد است. شما بزرگواری بفرمایید اگر نکته‌ای، مطلبی، سؤالی بود برای ما ارسال کنید تا ما بتوانیم استفاده کنیم.

جناب استاد! همانطور که شما هم اشاره فرمودید، ما نگاه می‌کنیم شبکه‌های وهابی از کسانی که این مسیر را برایشان قرار دادند همانند «محمد بن عبدالوهاب» پیروی می‌کنند.

آن‌ها در مورد بحث توسل معتقدند که هرکسی به اولیاء الهی و پیامبر گرامی اسلام متوسل می‌شود، کافر هست. کسی که کافر است اگر توبه نکرد مهدور الدم می‌شود و خون او مباح می‌شود. کارشناسان وهابی در شبکه‌های خودشان به پیروی از «محمد بن عبدالوهاب» و «ابن تیمیه» این مطالب را مرتب مطرح می‌کنند. حال سؤالی که برای بنده مطرح شده این است که مگر علمای بزرگ اهل سنت اجماع بر مشروعیت توسل ندارند؟! مجموع علمای بزرگوار اهل سنت به این نتیجه و اجماع رسیدند که توسل یک امر مشروع است.

زمانی که امری مشروع شد، چه دلیلی دارد که تکفیر شود و این اتفاقات بیفتد؟! چطور این افراد یک امر اجماعی را به این صورت تکفیر می‌کنند و کسانی که به آن متوسل می‌شوند را کافر می‌دانند؟!

موضوع: فتوا به مشروعیت توسل از سوی علمای اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دیروز ما در این خصوص با یکی از این بزرگواران بحث داشتیم. دیروز یکی از آقایان آیه‌ای از قرآن کریم خواند و گفت:

(وَ أُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ)

و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۴۹

در قرآن کریم وجود دارد. من در جواب گفتم: آقایان وهابی اگر عقل داشتند که وهابی نمی‌شدند. زمانی که انسان با یک شخص سنی بحث می‌کند، حداقل خوشحال است که بحث علمی می‌کند و در صحبت‌ها منطقی حاکم است.

زمانی که انسان با وهابی‌ها حرف می‌زند، تنها چیزی که در صحبت‌ها مشاهده نمی‌کند منطقی است. آن‌ها بحثی را تقطیع می‌کنند، پخش می‌کنند و برداشت غلطی از یک صحبت می‌کنند و شروع می‌کنند به حمله کردن. آن‌ها عبارتی از شیعه می‌آورند؛ مثلاً:

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ)

پس وای بر نمازگزاران ...

را می‌آورد، اما:

(الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)

در نماز خود سهل انگارند.

سوره ماعون (۱۰۷): آیات ۴ و ۵

را رد می‌کند. همچنین:

(لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ)

به نماز نزدیک نشوید.

را می‌گیرد و:

(وَ أَنْتُمْ سُكَارَى)

در حالی که مست هستید.

سوره النساء (۴): آیه ۴۳

را رها می‌کند و شروع به بحث کردن می‌کند. من نمی‌دانم آقایانی که به این افراد پول می‌دهند و به این شبکه‌ها کمک می‌کنند آیا عقل ندارند؟!

آن‌ها باید فکر کنند و ببینند بحث‌هایی که صورت می‌گیرد غیر از ایجاد اختلاف و فتنه میان مسلمانان نتیجه دیگری هم دارد؟! حداقل ببینند حرف‌هایی که این آقایان می‌زنند، آیا با مبانی فکری و اعتقادی اهل سنت تطبیق می‌کند یا نه؟! مشاهده کردید که می‌گویند: هرکسی بین خود و خداوند عالم واسطه قرار دهد مهدور الدم و مرتد است، کافر است و جان و مال او هم هدر است! دوستان عزیز! در کتاب «الجواهر المنظم» اثر «ابن حجر هیثمی» یکی از علمای بزرگ شافعی وارد شده است:

«من خرافات ابن تیمیة آلتی لم یقلها عالم قبله و صار بها بین أهل الإسلام مثلة»

سپس می‌نویسد:

«أنه أنکر الاستغائة والتوسل به صلی الله علیه وسلم»

او استغائه و توسل به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را انکار کرده است.

استغائه به معنای مستقیم حاجت خواستن از پیغمبر اکرم است. ایشان سپس می‌گوید:

«یتوسل به فی کل خیر قبل بروزه لهذا العالم وبعده فی حیاته وبعد وفاته، وكذا فی عرصات القيامة فيشفع إلى ربه، وهذا مما قام الإجماع عليه»

توسل به آن حضرت قبل از آنکه به این دنیا بیاید و بعد از آنکه به دنیا آمد، بعد از اینکه از دنیا رفت و همچنین در عرصات محشر همه اجماعی است.

توسل به نبی گرامی اسلام قبل از خلقت او، در زمان حیات او و بعد از وفات او اجماعی است.

«وتواترت به الأخبار»

روایات متواتر داریم که این توسل جایز است.

الهیتمی المکی، أحمد شهاب الدین ابن حجر (متوفای ۹۷۳هـ)، الجوهر المنظم فی زیارة القبر الشریف المکرم، ص ۱۰۹، تقدیم، تحقیق و تعلیق: محمد زینهم محمد عزب، ناشر: مکتبه مدبولی

مشاهده کنید در رابطه با «ابن حجر هیتمی» در کتاب «النور السافر» اثر «عیدروس» چنین تعبیر شده است:

«الإمام شیخ الإسلام حَاتِمَة أهل الفِتناء والتدريس ناشر غُلوم الإمام مُحَمَّد بن إِدْرِيس الحَافِظ شَهَاب الدِّين أَبُو العَبَّاس أحمد بن مُحَمَّد بن عَلِي بن حجر الهیتمی السَّعْدِي الأَنْصَارِي»

سپس می نویسد:

«وَكَانَ بَحْرًا فِي عِلْمِ الْفِقْهِ وَتَحْقِيقِهِ»

او دریایی در علم فقه و تحقیق آن بوده است.

الکتاب: النور السافر عن أخبار القرن العاشر، المؤلف: محی الدین عبد القادر بن شیخ بن عبد الله العیدرُوس (المتوفی: ۱۰۳۸ هـ)، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۵۸، باب سنة أربع

وَسَبْعِينَ بَعْدَ التَّسْعِمَائَةِ

او همچنین تعبیر می‌کند که دنیا عاجز است از اینکه امثال «ابن حجر» را بیاورد. همچنین آقای «صدقی زهاوی» و دیگران چنین نظری دارند. عده‌ای به ابن حجر هیتمی برچسب صوفی‌گری می‌زنند. (ولی آیا الازهر مصر هم صوفی است؟! در سال ۲۰۱۰ در سایت دار الافتاء الازهر مصر در پاسخ به سؤالی آمده است:

«التوسل بالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) مما اجمعت علیه مذاهب الائمة الأربعة المتبوعین»

جميع ائمه اربعة بر توسل به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اجماع دارند.

این حرف شیعیان نیست، بلکه شاخص اهل سنت کره زمین امروزه الازهر مصر است.

«و مع ذلك فانّ بعض الناس یکفر من يتوسل بالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) و بغيره»

اما بعضی افراد همانند وهابیت کسانی که به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یا غیر او توسل می‌کنند را تکفیر می‌کنند. در ادامه چند دلیل بر مشروعیت توسل می‌آورد و در ادامه می‌گوید:

«فكيف يجوز مع هذا تكفير المسلمين و استباحة دمائهم و اموالهم بالتوسل و الاستغائة»

با این حال چطور می‌شود که مسلمانان را تکفیر کرد، خون و مال آنان را مباح کرد به خاطر توسل و استغائه؟!

این مطالب متعلق به ما نیست و آن‌ها هم که توبه نکردند و پشیمان هم نشدند و استغفار نکردند. گفتنی است در مصر هم فشار و اختناق نبود که از ترس جمهوری اسلامی چنین فتوایی صادر کنند!

من نمی‌دانم باید با این افراد چه کرد؟! «ابن تیمیه» در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد اول صفحه ۱۰۹ می‌نویسد:

«وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا تَبَّتْ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ»

هرکس چیزی را که به تواتر و اجماع ثابت شده، منکر شود، کافر است.

الکتاب: مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸

هـ)، المحقق: أنور الباز - عامر الجزار، الناشر: دار الوفاء، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۶ هـ / ۲۰۰۵ م، ج ۱، ص ۱۰۹، باب

مسألة: من يمنع الاستغائة بالنبی

ما از «ابن حجر» نقل کردیم که درباره توسل به پیغمبر اکرم بعد از وفات ایشان هم اجماع داریم و هم روایت متواتر داریم. بنده در این زمینه حرف زیاد دارم، اما فقط به همین یکی دو مورد اکتفا می‌کنم.

آقای «جمیل صدقی زهاوی» در کتاب «الفجر الصادق» صفحه ۸۴ ادعای اجماع می‌کند. آقای «حصنی شافعی» در کتاب «دفع شبهه من شبهه» صفحه ۵۳۲ ادعای اجماع می‌کند. آقای «زینی دحلان» در کتاب «الدرر السنیه» صفحه ۳۷ ادعای اجماع می‌کند. آقای «شوکانی» در کتاب «در النضید» صفحه ۱۹ ادعای اجماع می‌کند. «نبهانی» و دیگران همگی بر مشروعیت توسل بر نبی گرامی اسلام چه در زمان حیاتشان و چه بعد از رحلتشان ادعای اجماع می‌کنند.

مجری:

استادا! از شما خیلی ممنونم. من سؤالات دیگری هم داشتم، اما اگر اجازه بفرمایید بقیه وقت برنامه را به دوستان خوب بیننده و مخاطبین برنامه زنده «جبل المتین» اختصاص بدهیم که صدای گرمشان را بشنویم.

بینندگان یک سره لطف و بزرگواری می‌کنند به شکل‌های مختلف پیام می‌دهند. برخی از دوستان شهادت امام سجاد (علیه السلام) را تسلیت می‌گویند، برخی از عزیزان از برنامه تشکر می‌کنند، برخی سلام ویژه محضر استاد می‌فرستند و نکات دیگری که بیان می‌شود.

از سرای بلوچ کراته از سبزوار برای ما پیام فرستادند که از ایشان ممنونیم.

آقای زائری از آبادان گفتند: از حاج آقا بخواهید برای ما دعا کنند تا صاحب فرزند شویم. ان شاءالله حاجت روا شوید و به زودی صدای شیرین خنده فرزندان زیادی در خانه شما شنیده شود. حاج آقا اصرار دارند که باید تعداد فرزندان شیعیان امیرالمؤمنین زیاد شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده یکی از بهترین ساعت‌های عمرم وقتی بود که در قم به دیدار یکی از عزیزان که پنج قلو دارد رفته بودیم. این فرزندان ۵ قلو یک سال و نیم داشتند که سه فرزند پسر و دو فرزند دختر بود. حرف زدن، گلاویز شدن آن‌ها سر اسباب

بازی به هم به قدری برای من لذت بخش بود که یکی از بهترین ساعات عمرم بود. ان شاءالله برای سلامتی این فرزندان و دیگر دو قلوها، سه قلوها، چهار قلوها و پنج قلوها دعا می‌کنیم.

مجری:

ان شاءالله خداوند یک مرتبه یک پنج قلو به ایشان بدهد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یک مرتبه صدای پنج کوچولو در منزلشان شنیده شود.

مجری:

ان شاءالله آقا یا خانم زائری عزیز از آبادان حاجت روا شوند.

آقای عطاران از بم عزیز دلمان برای ما پیام فرستادند که از ایشان ممنونیم.

آقا بهزاد از میناب گفتند حضری ما را بزیند و ما هم حضری ایشان را زدیم و ثبت شد.

آقا محمد جواد عزیز از قم پیام فرستادند.

سیده بی‌بی حوراء حسینی از شهریار ملارد برای ما پیام فرستادند که از ایشان هم ممنون و سپاسگزار هستیم.

عزیزی که اسمشان را نگفتند، در پیام گفتند که آماده می‌شویم برای پیاده روی اربعین به سمت کربلا. ان شاءالله.

همین جا به شما مژده بدهم که ان شاءالله «شبکه جهانی ولایت» هم از ده روز قبل از اربعین به طور مفصل برای شما از

طریق نجف و کربلا و همچنین خود کربلا برنامه‌هایی را خواهد داشت. دوستان دارند مقدمات کار را فراهم می‌کنند تا

بتوانند دل‌های شما را کربلایی کنند. عزیزان بیننده‌ای هم که همراه «شبکه جهانی ولایت» هستند، دقت داشته باشند که

ان شاءالله در زمان مقرر اعلام می‌کنیم که واحد سیار ما کجا مستقر است و برنامه‌های ما کجاست. این عزیزان اگر

خواستند می‌توانند به صورت حضوری بیایند و با بچه‌های «شبکه جهانی ولایت» از نزدیک دیدار و گفتگو کنند و ما هم

آن‌ها را زیارت می‌کنیم. بخش کوتاه میان برنامه‌ای را ببینیم، برگردیم و تلفن‌های عزیزان بیننده را داشته باشیم.

صلی الله علیک یا سید الساجدین، یا زین العابدین السلام علیک یا علی بن الحسین یا سیدنا و مولانا انا توجهنا و

استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیها عندالله اشفع لنا عندالله

بازهم شهادت امام سجاد (علیه السلام) را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم. از این لحظه در خدمت دوستان بیننده هستیم. در فرصتی که تا پایان برنامه باقی مانده است، دوستان می‌توانند تماس بگیرند. خواهش می‌کنم بزرگواری بفرمایید به صورت مختصر و مفید مطالب خودتان را بگویید تا ما بتوانیم تلفن‌های بیشتری را پخش کنیم. همیشه دوستان بیننده گله‌مند هستند که ما مدت‌ها، روزها، ماه‌ها منتظریم تا روی خط ارتباطی برنامه شما بیاییم، اما امکان آن فراهم نمی‌شود.

تماس‌های بینندگان برنامه:

آقا فرزاد از اسلام‌آباد غرب از برادران اهل سنت ما، پشت خط ارتباطی برنامه زنده «حبل المتین» هستند. آقا فرزاد سلام، شب شما بخیر:

بیننده (آقا فرزاد از اسلام‌آباد غرب – اهل سنت):

سلام، شب شما بخیر، خسته نباشید.

مجری:

خیلی ممنون و متشکرم، بفرمایید.

بیننده:

حاج آقا اسماعیلی در رابطه با بحث توسل که مطرح کردید، بنده در سال ۱۳۹۰ تصمیم گرفتم به مشهد بروم و با چشم سر ببینم که آیا توسل شما حقیقت دارد یا ندارد.

برادر من به بنده گفت با کاروان برو، اما من گفتم دوست ندارم، زیرا در کاروان روضه خوانی و امثال آن‌ها انجام می‌دهند. زمانی که بنده به مشهد رسیدم واقعاً به بنده خیلی سخت گذشت. در میان راه مردی کنار دست بنده نشست و

پرسید: کجا می‌روی؟! بنده گفتم: مشهد می‌روم. او به من گفت: زیارت می‌روی؟! بنده گفتم: بله. او گفت: من هم سالی یک بار به مشهد می‌روم و الآن هم رفتم. او از من پرسید: تا به حال مشهد رفتی؟! گفتم: نرفتم.

او از من پرسید که زیارت بلد هستی؟! گفتم: نه، می‌روم یاد می‌گیرم. او به من گفت: به دنبال من بیا و من خودم تو را به داخل حرم می‌برم تا زیارت کنی. او می‌دانست که من نابلد هستم و من هم قبول کردم و با او رفتم. زمانی که به حرم رسیدم، تا بازدید بدنی انجام دادم و داخل حرم شدم یک مرتبه که نگاهم به حرم افتاد با خودم گفتم: این همان بت پرستی هزار و چهارصد سال پیش است. این فکر یک مرتبه در حرم به دلم افتاد.

وقتی چند قدم دیگر برگشتم، دیدم همان مردی که همراه من بود نیست و غیب شده است. ساعت سه شب بود که داخل حرم رسیدم. بنده از کسانی که دم در نگهبان بودند و کفش‌ها را تحویل می‌گرفتند، پرسیدم: به زیارت امام رضا آمدم و قبر ایشان را به من نشان دهید.

آن‌ها مکان خاصی را به من نشان می‌دادند و من نمی‌دانستم که روی قبر حضرت ضریح هم گذاشتند و فکر کردم ضریح بیرون از محوطه است. بنده فکر می‌کردم هرکسی بخواهد برود ضریح را زیارت کند می‌تواند و هرکسی بخواهد قبر را زیارت کند هم می‌تواند.

بنده از هرکسی می‌پرسیدم، می‌گفت: به آنجا برو. در آنجا قبر آخوند، شیخ یا کسی دیگر بود و قبر امام رضا نبود. بعد از آنکه به مدت زیادی گشتم و خسته شدم، داخل محوطه آمدم و حدود ساعت‌های پنج نصف شب یک مرتبه به دلم افتاد که هرچه می‌خواهی بگو.

به من الهام شد وقتی که قبر حضرت را پیدا نکردی، هرچه می‌خواهی بگو. بنده هرچیزی که در دلم بود را گفتم، بعد از آن سوار اتوبوس شدم و از همانجا به منزل برگشتم و در میان راه در حسن آباد مقداری نبات خریدم و به دروغ گفتم آن را از مشهد آوردم.

سال بعد تصمیم گرفتم با همان نیتی که از زیارت امام رضا داشتم، به زیارت حضرت معصومه بروم. بنده وقتی به زیارت حضرت معصومه رفتم، قبر شیشه‌ای جلوی پایم ظاهر شد که فکر کردم این قبر حضرت معصومه است. بنده

همین قبر را زیارت کردم و بعداً متوجه شدم قبر آیت الله العظمی بروجردی بوده است. بعد از مدتی امام رضا به خواب بنده آمد و گفت: روزی که تو به زیارت من آمدی، من در خانه نبودم که تو به زیارت آمدی.

وقتی امام رضا را دیدم، سر و صورت ایشان شبیه به خورشید بود و بدن ایشان همانند کفن مردگان بود. ایشان از آسمان پایین آمد و دومرتبه به آسمان برگشتند. می‌خواستم بینم قبر امام رضا (علیه السلام) واقعاً در همان مشهد است یا جای دیگری است؟! ممنونم.

مجری:

خواهش می‌کنم، متشکرم، سلامت باشید. خدا نگهدارتان باشد. استاد ایشان به قدری ناوارد بودند که نتوانستند قبر امام رضا را پیدا کنند. وقتی به حرم امام رضا بروید، از هرکسی بپرسید قبر کجاست و ضریح کجاست به شما نشان خواهند داد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شاید ایشان تصور می‌کردند که ضریح اتاقچه‌ای است. همین که مردم اطراف آن ضریح می‌چرخند مشخص است و هیچ شک و شبهه‌ای نیست که قبر امام رضا (علیه السلام) در آنجاست. البته قبر هارون الرشید مقداری پرت است و بیرون از ضریح است.

جایی که در آن ضریح است، قطعاً قبر مطهر امام رضا (علیه السلام) است. واقعاً اگر کسی معصوم را در خواب دیده باشد، شیاطین به صورت معصومین در خواب هم نمی‌توانند جلوه کنند. همانطور که اگر کسی پیغمبر اکرم را در خواب ببیند همانند این است که او را در بیداری دیده است. ما افراد زیادی از عزیزان اهل سنت داشتیم (که در خواب ائمه اطهار علیهم السلام را زیارت کرده‌اند) شاید راضی نباشند من اسمشان را ببرم. یکی از علمای بزرگ منطقه گرگان به حضرت فاطمه زهرا متوسل شده بود و خواب آن بزرگوار را دیده بود. حضرت از او دعوت کرده بود که به زیارت امام رضا (علیه السلام) برود. ایشان در قم به منزل ما آمد و آیت الله العظمی شبیری زنجانی، آیت الله العظمی سبحانی و آیت الله

العظمی مقتدایی هم حضور داشتند. این سه بزرگوار در حال حاضر در قید حیات هستند. آیت الله العظمی خزعلی هم حضور داشتند که ایشان به رحمت خدا رفتند.

ایشان که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است و بیش از صد نفر شاگرد دارد و برای آنها تدریس می‌کند، در همان جا قضایا را نقل کرد و گفت: حضرت فاطمه زهرا به خواب بنده آمد و از من دعوت کرد به حرم امام رضا (علیه السلام) رفتم. بنده به امام رضا متوسل شدم، در همانجا گریه کردم و خوابم برد. در خواب امام رضا را دیدم و تعدادی از مشکلات و حوائج را از حضرت خواستم و آن بزرگوار هم همه را به من داده است.

ایشان درخواستی از آقایان داشت که ما فیلم هم گرفتیم. اگر روزی خود ایشان اجازه بدهد ما حاضریم فیلم ایشان را پخش کنیم، اما به دلیل اینکه ایشان تا به حال اجازه ندادند ما فیلم ایشان را پخش نمی‌کنیم.

ما در یکی دو جلسه که خدمت ایشان بودیم. دو سال بعد از ایشان با خانواده به مشهد رفته بودیم و به منزل ایشان رفتیم. ما نهار منزل ایشان بودیم و با ایشان دیدار کردیم و برگشتیم.

این قضیه‌ای بود که ما خود شاهد آن بودیم و ایشان در محضر چهار تن از آیات و مراجع عظام تقلید گفته‌های خود را بیان کرد. بنده به یاد دارم حضرت آیت الله العظمی سبحانی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی آنچنان گریه می‌کردند که اشک از محاسن شریفشان جاری بود.

مجری:

ان شاء الله بازهم زیارت با معرفت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نصیب آقا فرزند عزیزمان شود. خیالتان راحت باشد، قبر امام رضا چیزی است که محکم و متقن است و سند تاریخی و روایی دارد. همان مشهد الرضا قبر مطهر امام رضا است. زمانی که وارد حرم می‌شوید ضریح مشخص است. داخل ضریح جایی است که همه آنجا زیارت می‌کنند، آنجا سلام می‌دهند، آنجا طواف می‌کنند و آنجا را می‌بوسند. همچنین حرم حضرت معصومه هم کاملاً مشخص و معین است، فقط کافی است با دقت بپرسید و سؤال کنید. مسیر روشن است و معمولاً زائرین وقتی که وارد حرم‌ها می‌شوند به همان سمت می‌روند.

ان شاءالله بازهم زیارت امام رضا نصیبتان شود و آرزو می‌کنیم که زیارت کربلا هم نصیب آقا فرزاد از اسلام آباد شود. ایشان به هر صورت خودشان با چشم دل چیزهایی را دیدند و به عنایاتی رسیدند.

بیننده بعدی ما حمید آقا از کرمان هستند. حمید آقا سلام به شما، شب شما بخیر:

بیننده (حمید آقا از کرمان - شیعه):

علیکم السلام و رحمة الله خدمت حاج علی آقای اسماعیلی بزرگوار. همچنین عرض سلام و احترام خدمت استاد بزرگوار آیت الله دکتر حسینی قزوینی. ان شاءالله که شب هر دوی شما بزرگواران به خیر و خوشی باشد.

مجری:

ممنونم، سلامت باشید.

بیننده:

تشکر. من خیلی مزاحم شما نمی‌شوم و ان شاءالله کمتر از دو سه دقیقه وقت شما را می‌گیرم و رفع زحمت می‌کنم. در ادامه فرمایشات بسیار بسیار جالب و زیبایی که امشب حضرت استاد داشتند و مثل همیشه بازهم علمی و منطقی به بعضی از گفته‌هایی که در چند روز اخیر در شبکه‌ها مطرح شده بود، مطالبی را بیان می‌کنم.

بنده در خصوص درگذشت «مولوی حسین پور» از همین جا خدمت همه عزیزان اهل سنت عرض تسلیت دارم و درگذشت این مولوی بزرگوار را تسلیت عرض می‌کنم.

حضرت استاد! نمی‌دانم در جریان هستید یا نیستید، اما بالاخره بعد از یک هفته‌ای که گذشت شب گذشته آقای دهقان آمدند و خواستند به زعم خودشان جواب بدهند. ایشان که سکوت را شکستند و خواستند جواب بدهند، بازهم دو دروغ عجیب و غریب و بزرگ گفتند.

ایشان بعد از گذشت یک هفته انکار که ادعا می‌کردند چنین کتابی نیست، ما این کتاب را نداریم و شیعیان آن‌ها را از خودشان ساختند ایشان تأیید کردند که چنین چیزی هست و اتفاقاً آدرس دقیق هم دادند. ایشان ادعا کردند که قضیه

در سال ۱۳۷۰ بوده است و تمام مطالب را تأیید کردند. ایشان در ادامه دست روی نکته کوچکی گذاشتند و گفتند: بحث تکفیر «محمد بن عبدالوهاب» را قبول نداریم و دیگر مطالب همگی درست است.

اولاً ما از باب جدل می‌گوییم اشکال ندارد. نکته‌ای که شما می‌گویید هم اشکال ندارد، هرچند ما مدرک ارائه دادیم و کتاب آوردیم و گفتیم که در این کتاب همه چیز هست. ایشان که ادعا می‌کند چنین چیزی نیست، تا این لحظه یک نیم مدرکی هم ارائه ندادند.

غیر از آقای «احراری» که ما به ایشان گفتیم مدرک شما چیست و ایشان گفتند: شما بروید ترجمه «تفسیر معارف القرآن» را بخوانید و در آنجا پر از توحید است. من نمی‌دانم این قضیه چه ربطی به بحث تکفیر «محمد بن عبدالوهاب» دارد!

جالب بود که ایشان گفتند: من این یک نکته را قبول ندارم و باقی آن درست است. آقای «دهقان» بزرگوار! مولوی شبکه آقای دزد و خودفروش! بفرمایید نکاتی که فرمودند مگر شما تا به امروز نمی‌فرمودید که اصلاً وهابیتی وجود ندارد.

اولاً ایشان وهابیت را تأیید کرده‌اند و شما خودتان گفتید که درست است. ثانیاً آن‌ها مطالب دیگری می‌گویند که «محمد بن عبدالوهاب» خونریز و منحرف بود، جنایتکار و خائن بود. ایشان این مطالب را تأیید کردند و گفتند که «مولوی حسین پور» این مطالب را گفتند.

آقای «دهقان» لطف کنند ابتدا به همین مسئله پاسخ بدهند تا حداقل این بخش که آن را پذیرفتیم پاسخ بدهند.

نکته دوم این است که آن‌ها متأسفانه یک دروغ دیگر هم گفتند. بیننده بزرگواری که تماس گرفته بودند، او گفت: اتفاقاً در همین خصوص جناب «مولوی چابهار مولوی سربازی» بزرگوار هم انتقادات گسترده‌ای به وهابیت و «محمد بن عبدالوهاب» دارند. آن‌ها را خوارج زمان می‌دانند و ادعا می‌کنند که ایشان آمدند خون اهل سنت و حکمای اهل سنت را مباح دانستند. آقای «دهقان» در کمال بی‌شرمی متأسفانه در یک دروغ عجیب و غریب گفتند: اصلاً چنین چیزی در این کتاب وجود ندارد و قضیه را به کلی انکار کردند.

جالب است حتی کلیپی که ایشان درست کردند و پخش کردند را هم سانسور کردند. جناب آقای «دهقان» شما که اینقدر شجاعت نداشتید که دروغ بگویید، لاقلاً یک کلیپ پخش می‌کردید که اینطور آبروریزی نشود.

جناب «چابهار» در همین کتاب فرمودند که این‌ها خوارج زمان هستند و خون اهل سنت را می‌باح دانستند، اما آقای «دهقان» ادعا می‌کند که چنین چیزی نیست. ایشان فقط به بنای قبور ایرادی گرفته است.

ایشان بعد از افتضاحاتی که سایر شبکه‌ها به راه انداختند، دروغی بود که دیشب گفتند. بنده به دلیل اینکه می‌دانم ایشان رصد می‌کند، (این مطالب را گفتم تا) ان‌شاءالله به این مطالب پاسخ بدهند. بنده بیش از این مزاحم نمی‌شوم، ان‌شاءالله باز هم ما را از دعای خیر خود فراموش نکنید. اگر امری نیست با شما خداحافظی می‌کنم.

مجری:

از شما تشکر می‌کنم. لطف فرمودید تماس گرفتید، ان‌شاءالله که موفق باشید. استاد آقای حمید نکات خوبی گفتند، ایشان در مورد «مولوی حسین پور» و «مولوی سربازی» نکات خوبی بیان کردند. این مطالب روشن است و در کتابشان آمده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این‌ها یک هفته است که از دست چهار تن از بچه شیعیان به ستوه آمده‌اند! در پاسخ بعضی شیعه‌ها آن‌ها شروع به فحش دادن می‌کنند! دیگری می‌گوید چنین چیزی دروغ است! یکی می‌گوید که این مسائل تحت خفقان جمهوری اسلامی بوده است! و دیگری ادعا می‌کند توبه کرده است! یکی ادعا می‌کند که پشیمان شده است! بنده اتفاقاً به دنبال آن بودم که فیلم سخنرانی او را پخش کنم، زیرا سخنرانی ایشان موجود است.

مجری:

آقای «حسین پور» یا دیگران؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

کلیپ آقای «حسین پور» و دیگران که در همایش سال ۱۳۷۰ حضور داشتند، موجود است. اگر دست ما پر نباشد، نمی‌آییم روی آنتن حرف بزنیم.

ما مشاهده کردیم که این آقایان یکی ادعا می‌کنند قبول است و دیگری ادعا می‌کنند که قبول نیست. همین تناقض آرای این افراد بهترین دلیل بر بطلان مسلک و مذهب این افراد است.

مجری:

بسیار خوب. استاد از شما خیلی متشکرم. بنده از دوستان خوب بیننده که شاید خیلی تلاش کردند روی خط ارتباطی برنامه زنده ما بیایند و فرصت نشد، عذرخواهی می‌کنم. دقایق پایانی برنامه است و باید از محضر شما مرخص شویم.

ان‌شاءالله استاد دعا می‌کنند مخصوصاً برای عزیزان بیننده‌ای که التماس دعای خیر دارند. کسانی که در زندگی گرفتاری دارند یا صاحب فرزند نمی‌شوند و افرادی که بیمار در خانواده دارند. استاد! برای همگی دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را به اسماء حسنایت، به آبروی اولیائت به ویژه به آبروی حضرت محمد و آل محمد و حضرت سید الساجدین زین العابدین سوگند می‌دهیم فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک بگردان و ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا گرفتاری‌هایی که ما و عزیزان دست اندرکار «شبکه جهانی ولایت» و بیننده‌های عزیز دارند، گرفتاری‌هایی که عزیزان ما در سوریه و عراق و بحرین و یمن و میانمار و دیگر بلاد دارند به حق محمد و آل محمد آن‌ها رفع گرفتاری بنما.

خدایا حوائج حاجت مندان، حوائج این حقیر، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت» حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً ولایت یاوران عزیز را به حق امام سجاد (علیه السلام) سریعاً برآورده نما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

ممنونم از توجهتان، از نگاه‌هایتان، از لطف و عنایت و مرحمتی که به «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین» داشتید و دارید. ان شاءالله زنده باشیم و بازهم هفته‌های آینده خدمت شما برسیم. بازهم عرض تسلیت و تعزیت به مناسبت شهادت امام غریب و مظلوم و مدفون در بقیع، امام چهارم، امام سید الساجدین زین العابدین (علیه السلام).

التماس دعای خیر، یا علی مدد، خدانگهدار.